



www.
www.
www.
www. **Ghaemiyeh** .com
.org
.net
.ir

حَدِيثُ
كُنْوَالٍ
خُودَسازَ دَرَكَلَام
أَهَمُ صَادَقٌ

بَصَرٌ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

ترجمه حدیث عنوان بصری

نویسنده:

امام جعفر صادق (ع)

ناشر چاپی:

انتشارات مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵ فهرست
۶ ترجمه حدیث عنوان بصری
۶ مشخصات کتاب
۶ حدیث عنوان بصری
۹ زیارت عاشورا
۱۰ بی‌نوشت ها
۱۰ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

ترجمه حدیث عنوان بصری

مشخصات کتاب

سرشناسه : حدیث عنوان بصری (فارسی - عربی عنوان و نام پدیدآور : ترجمه حدیث عنوان بصری دستورالعمل امام صادق عليه السلام به ...) / [ترجمه واحد پژوهش انتشارات مسجد مقدس جمکران مشخصات نشر : قم : مسجد مقدس صاحب الزمان (جمکران ، ۱۳۸۴) مشخصات ظاهري : ص ۳۲ شابک : ۹۶۴-۸۴۸۴-۲۸-۷۱۰۰۰ ریال : وضعیت فهرست نویسی : فهرستنويسي قبلی يادداشت : فارسی - عربی يادداشت : فهرستنويسي براساس اطلاعات فيا يادداشت : عنوان اصلی حدیث عنوان البصری نسخه الامام الصادق عليه السلام الاصحاب السیر و السلوک الى الله مع زیاره عاشورا. يادداشت : عنوان دیگر: عنوان بصری عنوان دیگر : عنوان بصری موضوع : احادیث خاص (عنوان بصری موضوع : احادیث شیعه — قرن ۱۴ موضوع : زیارتname عاشورا شناسه افروده : مسجد جمکران رده بندی کنگره : BP145 ع/۹۰۴۱ ۱۳۸۴ رده بندی دیوی : ۲۹۷/۲۱۴ شماره کتابشناسی ملی : م ۹۳۱-۸۴

حدیث عنوان بصری

قال الصادق عليه السلام: أوصيَك بِتَسْمِيعِ أَشْيَاءَ فَإِنَّهَا وَصِيَّةٌ لِمُرِيدِي الطَّرِيقِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى امام صادق عليه السلام به «عنوان بصری» فرمود: تو را به نه چيز سفارش می کنم که آنها توصیه من به آرزومندان سیر و سلوک الى الله است. روایت عنوان بصری یکی از دستور العمل های بسیار مهم وجود مقدس امام صادق عليه السلام است که در بردارنده نکاتی نظر و بدیع در تهدیب نفس است که جهت استفاده تمامی پیروان مکتب نورانی ائمه دین صادر فرموده اند. و بسیاری از عرف، علم و بزرگان اخلاق اهتمام خاصی به این روایت شریف داشته اند، از جمله مرحوم آیت الله العظمی سید میرزا علی قاضی طباطبائی قدس سره به ارادتمندان و شاگردان خود دستور می دادند که آن را بنویسند و عمل کنند و کراراً می فرمودند: «باید آن را در جیب خود داشته باشید و هفته‌ای یکی دو بار آن را مطالعه کنید». و شاگردان خود را بدون التزام به مضمون این روایت نمی پذیرفتند. ذیلاً متن و ترجمه این روایت شریف را برای بهره مندی تمامی مشتاقان سلوک الى الله ذکر می کنیم. مرحوم علامه مجلسی قدس سره در بحار الانوار(۱) می فرماید: حدیث عنوان بصری أَقُولُ: وَجِدْتُ بِخَطِّ شَيْخِنَا الْبَهَائِيِّ - قَدَّسَ اللَّهُ رُوْحَهُ - مَا هَذَا لَفْظُهُ: قَالَ الشَّيْخُ شَمْسُ الدِّينِ مُحَمَّدُ بْنُ مَكَّيٍّ: نَقْلْتُ مِنْ حَطَّ الشَّيْخِ أَخْمَدَ الْفَرَاهَانِيِّ رَحْمَهُ اللَّهُ عَنْ عُنْوَانِ الْبَصِيرِيِّ - وَكَانَ شَيْخًا كَبِيرًا قَدْأَتِي عَلَيْهِ أَرْبَعَ وَتَسْعُونَ سَنَةً - قَالَ: كُنْتُ أَخْتَلَفُ إِلَى مَالِكٍ بْنِ أَنَسٍ سَتِينَ؛ فَلَمَّا قَدِمَ جَعْفُرُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْمَدِيْنَةَ اخْتَلَفَتِ إِلَيْهِ وَأَحْبَبَتْ أَنْ آخُذَ عَنْهُ كَمَا أَخُذْتُ عَنْ مَالِكٍ. می گوییم: به خط استادمان؛ بهاء الدین عاملی شیخ بهاء قدس سره روایتی را با این مضمون یافتم: «شیخ شمس الدین محمد بن مکی (شهید اول) گفت: من از خط شیخ احمد فراهانی رحمه الله از عنوان بصری؛ که پیر مردی سالخورده بود و از عمرش نود و چهار سال می گذشت نقل می کنم که او گفت: من سالیانی به نزد مالک بن انس رفت و آمد می کردم، زمانی که جعفر صادق عليه السلام به مدینه آمدند به محضر ایشان شرفیاب شدم و دوست داشتم همان طوری که از مالک تحصیل علم کرده بودم از ایشان نیز کسب علم کنم. فقالَ لِي يَوْمًا: إِنِّي رَجُلٌ مَطْلُوبٌ وَمَعَ ذلِكَ لِي أُورَادٌ فِي كُلِّ سَاعَيْهِ مِنْ آنَاءِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، فَلَا تَسْغُلْنِي عَنْ وَرْدِي وَخَذْنِي عَنْ مَالِكٍ وَأَخْتَلَفُ إِلَيْهِ كَمَا كُنْتَ تَخْتَلِفُ إِلَيْهِ. فَأَعْتَمَّتُ مِنْ ذلِكَ وَخَرَجْتُ مِنْ عِنْدِهِ وَقُلْتُ فِي نَفْسِي؛ لَوْ تَفَرَّسَ فِي حَبِيرًا لَمَا زَجَرَنِي عَنِ الْإِخْتِلَافِ إِلَيْهِ وَالْأَخْذِ عَنْهُ، فَدَخَلْتُ مَسِيْجَدَ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَوْزِي آنَ حَضْرَتَ بِهِ مِنْ مَرْدِي تَحْتَ نَظَرِمَ (۲) علاوه براین در هر ساعت از شبانه روز اذکاری دارم که به آنها مشغول هستم. پس مرا از عبادتم غافل نکن، و علومت را از سالک و راهنمایت (مالک بن انس) بگیر و مثل گذشته با او رفت و آمد کن. از این ماجرا غمگین شدم و از محضرشان مرخص شدم. با خودم گفتم: اگر در وجود من آثار خیر و هدایت به چشم حضرت می آمد، مرا از رفت و آمد و کسب علم از محضرشان منع

نمی فرمودند. بنابراین در مسیر خود داخل مسجد رسول الله صلی الله علیه وآلہ وسلم علیه ثم رجعت من الغد إلى الرؤوضة واصيَّلَيْتُ فِيهَا رَكْعَيْتَ وَقَلْتُ: أَشِيلُكَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ أَنْ تَعْطِفَ عَلَى قَلْبَ جَعْفَرٍ وَتَرْزُقْنِي مِنْ عِلْمِهِ مَا أَهْتَدِي بِهِ إِلَى صِرَاطِكَ الْمُسْتَقِيمِ. وَرَجَعْتُ إِلَى دَارِي مُغْتَمِّاً وَلَمْ أَخْتَلِفْ إِلَى مَالِكٍ بْنِ أَنْسٍ لِمَا أُشْرِبَ قَلْبِي مِنْ حُبِّ جَعْفَرٍ فَمَا خَرَجْتُ مِنْ دَارِي إِلَى الصَّلَوةِ الْمَكْتُوبَةِ حَتَّى عَلَيْهِ صَبَرِي فَلَمَّا ضَاقَ صَدْرِي تَعَلَّتْ وَتَرَدَّيْتُ وَقَصَدْتُ جَعْفَرًا وَكَانَ بَعْدَ مَا صَلَيْتُ الْعَصْرَ وَبِهِ آنَ حَضْرَتُ سَلَامَ دَادَمْ وَبِيرُونَ آمدَمْ. سَپِسْ فَرَدَای آن روز به روضه مبارکه (بین قبر و منبر رسول خدا صلی الله علیه وآلہ) برگشتم و دور کوت نماز خواندم و عرض کردم: خدا یا! پروردگار! قلب جعفر علیه السلام را نسبت به من مهربان و متمايل فرما و از علمش مقداری روزی من کن که به وسیله آن به راه راست تو هدایت شوم. با همان حالت ناراحتی و اندوه به منزل برگشتم و چون دلم ملامال از محبت جعفر علیه السلام شده بود با مالک بن انس رفت و آمد نکرد و از خانه ام بجز برای نماز واجب خارج نشد، تا اين که صبرم تمام شد. (روزی) پس از اقامه نماز عصر سینه ام تنگ شد و طاقتمن به سر آمد نعلینم را به پا کرده، ردایم را پوشیده و قصد دیدار جعفر صادق علیه السلام نمودم. فَلَمَّا حَضَرَتْ بَابَ دَارِهِ إِسْتَأْذَنْتُ عَلَيْهِ فَخَرَجَ خَادِمُهُ، فَقَالَ: مَا حَاجَتُكَ؟ قُلْتُ السَّلَامُ عَلَى الشَّرِيفِ. فَقَالَ: هُوَ قَائِمٌ فِي مُصَيْلَةٍ. فَجَلَسْتُ بِحِذَاءِ بَابِهِ فَمَا لَبِثْتُ إِلَى يَسِيرًا إِذْ خَرَجَ خَادِمُهُ فَقَالَ: أُذْخُلْ عَلَى بَرَكَةِ اللَّهِ. فَدَخَلْتُ وَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ. فَرَدَ السَّلَامُ وَقَالَ: إِجْلِسْ، غَفَرَ اللَّهُ لَكَ. فَجَلَسْتُ. وقتی که به درب خانه آن حضرت رسیدم اجازه ورود خواستم. خادمی بیرون آمده و پرسید: چه می خواهی؟ گفتم: (آمده ام تا) به محضر شریف (امام صادق علیه السلام) عرض سلام کنم. گفت: او در محل نمازشان مشغول عبادت هستند. مقابل درب خانه حضرت نشسته و کمی درنگ کردم که خادمی از خانه خارج شد و گفت: به برکتی که خدا نصیب تو کرده داخل شو. وارد شده و بر آن حضرت سلام کردم. امام ضمیم جواب سلام، فرمودند: بنشین، خداوند تو را بیامزد. پس من نشستم. فَاطَّرَقَ مَلِيَّاً، ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ وَقَالَ: أَبُو مَنْ؟ قُلْتُ: أَبُو عَبْدِ اللَّهِ. قال: تَبَّتِ اللَّهُ كُتْيَتِكَ وَوَقَعَكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، مَا مَسِئَتْكَ؟ فَقُلْتُ فِي نَفْسِي: لَوْ لَمْ يَكُنْ لِي مِنْ زِيَارَتِهِ وَالْتَّعْلِيمِ غَيْرُ هَذَا الدُّعَاءِ لَكَانَ كَيْرًا. ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ ثُمَّ قَالَ: مَا مَسَّتِكَ؟ فَقُلْتُ: سَأَلْتُ اللَّهَ أَنْ يَعْطِفَ قَلْبِيَّكَ عَلَى وَيَرْزُقِي مِنْ عِلْمِكَ وَأَرْجُو أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَجَابَنِي فِي الشَّرِيفِ مَا سَأَلْتُهُ. حضرت مدته به حال تفکر، سرشان را پایین انداختند، سپس سر بلند کرده و فرمودند: کنیه شما چیست؟ گفت: ابا عبد الله. فرمودند: خداوند کنیه شما را ثابت گردانده و تو را موفق کنند. ای ابا عبد الله، درخواست چیست؟ (حضرت باز سر خود را به زیر انداخت و منتظر جواب من شد) با خودم گفت: اگر بهره من از این زیارت و عرض سلام فقط همین دعا باشد خیری بزرگ و زیاد است. باز حضرت سرشان را بلند کرده و فرمودند: چه می خواهی؟ عرضه داشتم: از خداوند خواستم که قلب شما را نسبت به من مهربان کند و از علم شما روزی ام فرماید. و امید دارم خداوند آنچه را که درباره وجود شریف شما خواسته ام اجابت فرماید. فَقَالَ: يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ! لَيْسَ الْعِلْمُ بِالِّتَّعْلُمِ، إِنَّمَا هُوَ نُورٌ يَقَعُ فِي قَلْبٍ مَنْ يُرِيدُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنْ يَهْدِيهِ. فَإِنْ أَرَدْتَ الْعِلْمَ فَاطْلُبْ أَوْلًا فِي نَفْسِكَ حَقِيقَةَ الْعُبُودِيَّةِ وَاطْلُبِ الْعِلْمَ بِاسْتِعْمَالِهِ وَاسْتَفْهَمِ اللَّهِ يُفْهِمُكَ. قُلْتُ: يَا شَرِيفُ! فَقَالَ: قُلْ: يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ. قُلْتُ: يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ مَا حَقِيقَةُ الْعُبُودِيَّةِ؟ قَالَ: ثَلَاثَةُ أَشْيَاءٍ؛ أَنْ لَا يَرِيَ الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ فِيمَا حَوَّلَ لَهُ اللَّهُ مِلْكًا لِأَنَّ الْعَبِيدَ لَا يَكُونُ لَهُمْ مِلْكًا، حضرت فرمودند: ای ابا عبد الله! علم به آموختن نیست، علم نور است و در قلب کسی قرار می گیرد که خداوند تبارک و تعالی هدایت او را اراده فرموده باشد. بنابراین اگر علم می خواهی ابتدایا باید حقیقت عبودیت (بندگی) را در وجود خودت بخواهی و علم را با عمل کردن، طلب کنی و از خداوند طلب فهم کن تا (علم را) به تو بفهماند. عرض کردم: ای شریف. فرمودند: مرا ابا عبد الله صدا بزن. گفت: ای ابا عبد الله! حقیقت عبودیت و بندگی چیست؟ فرمودند: سه چیز است؛ ۱- اینکه بندگ خدا در مورد آنچه که پروردگار به او سپرده است برای خودش ملکیتی نییند. چرا که بندگان ملکی ندارند (مالک حقیقی خداوند تبارک و تعالی است) يَرُوَنَ الْمَالَ مَالَ اللَّهِ يَضَعُونَهُ حَيْثُ أَمْرُهُمُ اللَّهُ بِهِ وَلَا يَدْبَرُ الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ تَدْبِيرًا وَجُمْلَهُ إِشْتِغَالِهِ فِيمَا أَمْرَهُ تَعَالَى بِهِ وَنَهَا عَنْهُ. فَإِذَا لَمْ يَرِي الْعَبِيدَ لِنَفْسِهِ فِيمَا حَوَّلَهُ اللَّهُ تَعَالَى مِلْكًا هَانَ عَلَيْهِ الْإِنْفَاقُ فِيمَا أَمْرَهُ اللَّهُ تَعَالَى أَنْ يُنْفَقَ فِيهِ. وَإِذَا قَوَّضَ الْعَبِيدُ تَدْبِيرَ نَفْسِهِ عَلَى مُدَبِّرِهِ هَانَ عَلَيْهِ مَصَابِبُ الدُّنْيَا وَإِذَا اشْتَغَلَ الْعَبْدُ بِمَا أَمْرَهُ اللَّهُ تَعَالَى وَنَهَا، إِلَى يَنْفَرَغُ مِنْهُمَا إِلَى الْمِرَاءِ

وَالْمُبَاهَاةُ مَعَ النَّاسِ. وَهُمَّهُ اموال را از آن خداوند می‌بینند. وَآن را در جایی قرار می‌دهد (مصرف می‌کند) که خداوند امر فرموده است. ۲- بندۀ خدا برای خودش مصلحت اندیشی و تدبیر نمی‌کند (مصلحت و تدبیر واقعی را در دست خداوند می‌داند). ۳- تمام اشتغال او در کاری منحصر شود که خداوند او را به آن امر یا از آن نهی فرموده است. پس اگر بندۀ خدا در آنچه که پروردگار به او سپرده است ملکیتی برای خودش نبیند، در این صورت انفاق کردن برایش در چیزی که خداوند امر فرموده است آسان می‌شود. و وقتی که تدبیر امورش را به مدبرش بسپرد (و اهل توکل شود) تحمل مصیت‌های دنیا برایش آسان می‌شود. و زمانی که به آنچه خداوند امر ونهی کرده است مشغول باشد دیگر فرصتی برای خودنمایی و فخرفروشی به مردم پیدا نمی‌کند. فَإِذَا أَكْرَمَ اللَّهُ الْعَبْدَ بِهِذِهِ الْثَّلَاثَةِ هَانَ عَلَيْهِ الدُّنْيَا وَأَبْلَى إِلَيْهِ وَالْخَلْقُ. وَلَا يَطْلُبُ الدُّنْيَا تَكَاثُرًا وَتَفَاحُرًا وَلَا يَطْلُبُ مَا عِنْدَ النَّاسِ عِزًّا وَعُلُوًّا وَلَا يَدْعُ أَيَامَهُ بِاطِّلاً فَهَذَا أَوَّلُ ذَرَجَةُ الْتَّقْوَى قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى تُلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يَرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ. فَلُّتْ: يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَوْصِنِي؟ قَالَ: أُوصِّيَكَ بِتَسْيِعِهِ أَشْياءَ فَإِنَّهَا وَصِّيتَى لِمُرِبِّي الظَّرِيقِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى پس وقتی که خداوند بندۀ را با این سه (حصلت) گرامی بفرماید دنیا و ابلیس و مردم در نظرش کوچک خواهند بود. و دیگر دنیا را برای زیاده خواهی و فخر و مبارات به مردم و برای عزّت و جاه طلبی آنچه را که نزد مردم است نمی‌خواهد و عمرش را به بیهودگی نمی‌گذراند. این اولین درجه تقوّا است که خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: آن سرای آخرت است که برای کسانی که در زمین قصد بلند پروازی ندارند و دنبال فساد نمی‌گردند، قرار دادیم و سرانجام نیک، برای مردم با تقوّا است. عرض کردم: ای ابا عبد‌الله! به من توصیه‌ای بفرماید. فرمودند: تو را به نه چیز وصیت می‌کنم که آنها توصیه من به همه آرزومندان سیر و سلوک الى الله است. وَاللَّهُ أَسْأَلُ أَنْ يُؤْفَقَكَ لِاسْتِعْمَالِهِ ثَلَاثَةٌ مِنْهَا فِي رِيَاضَةِ النَّفْسِ وَثَلَاثَةٌ مِنْهَا فِي الْحِلْمِ وَثَلَاثَةٌ مِنْهَا فِي الْعِلْمِ فَاحْفَظْهَا وَإِيَّاكَ وَالَّتَّهَاوْنَ بِهَا. قالَ عُنْوَانٌ: فَفَرَغْتُ قَلْبِي لَهُ، فَقَالَ: أَمَّا اللَّوَاتِي فِي الرِّيَاضَةِ فَإِيَّاكَ أَنْ تَأْكُلَ مَا لَا تَشْتَهِيهِ فَإِنَّهُ يُورِثُ الْحِمَاقَةَ وَالْبَلَةَ وَلَا تَأْكُلْ إِلَّا عِنْدَ الْجُوعِ وَإِذَا أَكَلْتَ فَكُلْ حَلَالًا وَسَمَّ اللَّهُ وَإِذْ كُوْحَ حَدِيثُ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَا مَلَأَ آدَمَيْ وِعَاءَ شَرَّا مِنْ بَطْنِهِ، از خداوند موقیت تو را در عمل به آنها خواستارم. سه مورد آن در ریاضت و تربیت نفس است و سه مورد آن در حلم و بردباری و صبر است و سه امر دیگر آن در علم و دانش است. پس این وصایا را حفظ کن و به خاطر بسپار و مبادا در عمل به آنها سستی کنی. عنوان بصری می‌گوید: من قلب را (برای فراگیری علم حضرت) آماده کردم. حضرت فرمودند: اما آنچه که در ریاضت نفس است: ۱- مبادا چیزی را بخوری که به آن اشتها نداری چون موجب حماقت و نادانی می‌شود. ۲- و تا گرسنه نشدنی چیزی نخور. ۳- زمانی که غذایی خوردی، با نام خدا و حلال باشد و حدیث رسول خدا را به یاد داشته باش که فرمودند: آدمی هیچ ظرفی بدتر از شکمش را پر نکرده است. فَإِنْ كَانَ وَلَابَدَ فَتُلْثُثُ لِطَعَامِهِ وَتُلْثُثُ لِشَرَابِهِ وَتُلْثُثُ لِنَفْسِهِ، وَأَمَّا اللَّوَاتِي فِي الْحِلْمِ: فَمَنْ قَالَ لَكَ أَنْ قُلْتَ وَاحِدَةً سِيمْعَتْ عَشْرًا فَقُلْ: إِنْ قُلْتَ عَشْرًا لَمْ تَسْمَعْ وَاحِدَةً، وَمَنْ شَتَمَكَ، فَقُلْ لَهُ: إِنْ كُنْتَ صَادِقًا فِيمَا تَقُولُ فَأَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يَغْفِرِ لَكِ وَأَنْ كُنْتَ كاذِبًا فِيمَا تَقُولُ فَاللَّهُ أَسْأَلُ أَنْ يَغْفِرِ لَكَ، وَمَنْ وَعَدَكَ بِالْخَنْيَ فَعِدْهُ بِالنَّصِيحةِ وَالرَّاعِي، وَأَمَّا اللَّوَاتِي فِي الْعِلْمِ فَاسْأَلُ الْعُلَمَاءَ مَا جَهِلْتَ، وَإِيَّاكَ أَنْ تَسْأَلُهُمْ تَعْتَنَّا وَتَجْرِيَهُ، پس اگر ناچار شد غذا بخورد، یک سوم شکمش را برای طعام، و یک سوم را برای آب و یک سوم را برای تنفس قرار دهد. اما آن سه موردی که در حلم و بردباری است: ۱- اگر کسی به تو گفت که اگر یکی بگویی ده تا می‌شنوی. به او بگو: اگر ده تا بگویی سخنی هم نمی‌شنوی (عفت کلام داشته باش و از نزاع پرهیز). ۲- اگر کسی به تو دشنامی داد به او بگو: اگر راست می‌گویی از خداوند می‌خواهم مرا ببخشد و اگر دروغ می‌گویی از خداوند می‌خواهم تو را ببخشد. ۳- و اگر کسی تو را تهدید به دشنام کرد تو او را به خیر خواهی (نصحیت) و مراجعتش وعده بده. و اما آن سه امر دیگر که در علم و دانش است: ۱- آنچه را که نمی‌دانی از عالمان بپرس و مبادا برای به زحمت انداختن و امتحان کردنشان سؤال کنی. وَإِيَّاكَ أَنْ تَعْمَلَ بِرَأْيِكَ شَيْئًا، وَخُذْ بِالْخِيَاطِ فِي جَمِيعِ مَا تَجِدُ إِلَيْهِ سِيلًا، وَاهْرُبْ مِنَ الْفُتْيَا هَرَبَكَ مِنَ الْأَسَدِ وَلَا تَجْعَلْ رَفَقَتَكَ لِلنَّاسِ جِسْرًا، قُمْ عَنِّي يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ فَقَدْ نَصَيْحَتْ لَكَ وَلَا تُفْسِدْ عَلَيَّ وَرْدِي فَإِنَّى أَمْرَءٌ ضَنِينٌ بِنَسْسِي، وَالسَّلَامُ عَلَى مَنْ اتَّبَعَ الْهُدَى (۳) ۲- مبادا بر اساس خود رأیی دست به کاری بزنی که علم نداری و

در تمامی امور تا آنجا که ممکن است مسیر احتیاط را رها نکن. ۳- همان گونه که از شیر درنده فرار می‌کنی از فتوی دادن (فتوا) بدون علم(۴) پرهیز و گردن خود را پل عبور مردم نکن. ای ابا عبدالله! برخیز و برو که من برای تو خیر خواهی کردم. و ذکر من را خراب نکن چرا که من مردی هستم که بر گذشت عمرم دقت دارم و سلام برکسی که از هدایت پیروی می‌کند.

زيارت عاشورا

السلام عليك يا أبا عبد الله، السلام عليك يابن رسول الله، السلام عليك يابن أمير المؤمنين وابن سيد الوضياعين، السلام عليك يابن فاطمه سيده نساء العالمين، السلام عليك ياثار الله وابن ثاره والوتر المؤثر، السلام عليك وعلى الأرواح التي حللت بفنائك، عليك مني سلام الله أبداً ما بقيت وبقى الليل والنهر. يا أبا عبد الله لقد عظمت الرزية وجئت وعظمت المصيبة بك علينا وعلى جميع أهل الإسلام، وجئت وعظمت مصيبة بيتك في السماوات على جميع أهيل السماوات، فلعن الله أممه أسرست أساس الظلم والجور عليك أهل البيت، ولعن الله أممه دفعتك عن مقامكم وأزالتك عن مراتيك التي رتبكم الله فيها، ولعن الله أممه قتلتك، ولعن الله الممهدين لهم بالشريكين من قاتلكم، بربت إلى الله وإليكم منهم ومن أشياعهم وأتباعهم وأولئكهم. يا أبا عبد الله إنني سلمت لكم سالمكم وحزب لكم حاربكم إلى يوم القيمة، ولعن الله آل زياد وآل مروان، ولعن الله بنى أمية قاطبة، ولعن الله ابن مرجانة، ولعن الله عمر بن سعيد، ولعن الله شمراء، ولعن الله أممه أسرجت وأجمعت وتتقربت لقتالك. بما بي أنت وأمامي لقد عظم مصابي بك، فاسألك الله الذي أكرم مقامك وأكرمني بك أن يرزقني طلب ثارك مع إمام متصور من أهل بيته محمد صلى الله عليه وآله. اللهم أجعلني عندك وجيهًا بالحسين عليه السلام في الدنيا والآخرة. يا أبا عبد الله إنني أتقرب إلى الله وإلى رسوله وإلى أمير المؤمنين وإلى فاطمة وإلى الحسن وإليك بموالتك، وبالبرآنة ممن قاتلك ونضب لك الحرب، وبالبرآنة ممن أسس أساس الظلم والجور عليك، وأبرء إلى الله وإلى رسوله ممن أسس ذلك وبنى عليه بنيانه، وجرى في ظلمه وحوره عليك وعليك منهم وأنت إلى الله وإليكم منهم وأتقرب إلى الله ثم إليكم بموالتك وموالاة ولتكم، وبالبرآنة من أعدتكم والناسين لكم الحرب، وبالبرآنة من أشياعهم وأتباعهم، إنني سلمت لكم سالمكم وحزب لكم حاربكم، وولي لم من لاكم وعديو لم من عادكم، فاسألك الله الذي أكرمني بمعرفتك ومعرفة أولئككم، ورزقني البرآنة من أعيدتكم، أن يجعلني معكم في الدنيا والآخرة، وأن يبيت لي عندكم قدم صدق في الدنيا والآخرة، وأسئلك الله أن يبلغني المقام المحمود لكم عندي الله وأن يرزقني طلب ثاركم مع إمام هيدي ظاهر ناطق بالحق منك وأسئلك الله بحقكم وبالشأن الذي لكم عنده أن يعطيوني بمصابي بكم أفض لم ما يعطي مصابي بمحنته مصيبة ما أعظمها وأعظم رزتها في الإسلام وفي جميع السماوات والأرض. اللهم أجعلني في مقامي هذا ممن تناه منك صلواث ورحمة وغفرة. اللهم محيي محياناً محمد وآل محمد ومماتي ممات محمد وآل محمد. اللهم إن هذا يوم تبرك به بنو أمية وابن أكلة الأكباد، اللعين ابن اللعين على لسانك ولسان بيتك صلى الله عليه وآله في كل موطن ومؤقفي وقف فيه بيتك صلى الله عليه وآله. اللهم العن أبا سفيان ومعاوية ويزيد بن معاوية عليهم منك اللعنة أيد الآمنين، وهذا يوم فرحت به آل زياد وآل مروان يقتلهم الحسينين صلواث الله عليه. اللهم فضاعف عليهم اللعن منك والعذاب الأليم. اللهم إنني أتقرب إليك في هذا اليوم وفي موقفى هذا وأ أيام حياتي بالبرآنة ممنهم واللعنة عليهم وبالمؤلات ليبيتك وآل بيتك عليه وعليهم السلام. پس صد مرتبه می گویی: اللهم العن أول ظالم ظلم حق محمد وآل محمد وآخر تابع له على ذلك، اللهم العن العصابة التي جاهدت الحسينين وشايحت وتابعت على قتاله، اللهم العنهم جميعاً. و صد مرتبه می گویی: السلام عليك يا أبا عبد الله وعلى الأرواح التي حللت بفنائك، عليك مني سلام الله أبداً ما بقيت وبقى الليل والنهر. ولا جعله الله آخر العهد مني لزيارة تكم. السلام على الحسينين، وعلى علی بن الحسين، وعلى أولاد الحسينين، وعلى أصحاب الحسينين. پس می گویی: اللهم خص أنت أول ظالم باللعن منی، وابداً به أولاً ثم الثنائي والثالث والرابع. اللهم العن يزيد خامساً، والعن عبيدة الله بن زياد وابن مرجانة وعمراً بن سعيد وشمراء، وآل أبي سفيان وآل زياد وآل مروان إلى يوم القيمة. پس به سجده رفته و می گویی: اللهم لك الحمد حمد الشاكرين لك على

مُصَابِّهِمْ، الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى عَظِيمِ رَزْيَتِي. اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي شَفَاعَةَ الْحُسَينِ يَوْمَ الْوُرُودِ وَبَئْثْ لِي قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَينِ وَأَصْبِحَابِ الْحُسَينِ الَّذِينَ بَذَلُوا مَهْجُومٌ دُونَ الْحُسَينِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

پی‌نوشت‌ها

۱) بحار الانوار، چاپ بیروت، ج ۱، ص ۲۲۴، کتاب العلم، باب ۷، آداب طلب العلم و احکامه. ۲) وجود مقدس امام صادق علیه السلام در دوران امامت شدیداً تحت نظر حکومت وقت بودند خصوصاً زمان منصور دوایقی که نسبت به حضرت ظلم زیادی روا داشت تا آنجا که محل اقامت آن حضرت را سه بار تغییر داد و لذا رفت و آمد ایشان در مقاطعی به ویژه اواخر عمر در اختیار خودشان نبود. که این امر خود بیانگر خفقان حاکم بر جامعه و ترس بیش از حد حاکمان جائز از ارتباط مردم با امام علیه السلام است. ۳) بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۱ ص ۲۲۶ - ۲۲۴، الكوكب الدری فی شرح حدیث عنوان البصری، آیت الله حاج سید ابوالفضل نبوی قمی، بدون تاریخ و محل نشر؛ منیه المرید، شهید ثانی، تصحیح رضا مختاری، ص ۱۴۹ - ۱۴۸ (۴) نظر قاطع دادن در امری که تخصص نداری، مثلاً نظر دادن در امور دینی بدون توجه به نظر فقیه.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جا هـ دلـ دوا بـ تـ أـ مـ الـ كـ مـ وـ آـ نـ فـ سـ كـ مـ فـ سـ بـ يـ إـ لـ كـ مـ خـ يـ لـ كـ مـ إـ نـ كـ تـ مـ تـ عـ لـ مـ يـ وـ نـ (سوره توبه آيه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام)؛ خدا رحم نماید بندهای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافرایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بینانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذای نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بینانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شباهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعية در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشدید. از جمله فعالیتهای گسترش مرکز : الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزو و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صدھا نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمناه (ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه نمایشگاه های سه بعدی، www.ghaemyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات

نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۵۲۴ ۰۵۲۳ ۰۵۲۳) طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث ، وب کیوسک ، SMS و ... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمی، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه‌ی برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۰۳۱۱-۲۳۵۷۰۲۳-۲۵ فکس ۰۳۱۱-۲۳۵۷۰۲۲ دفتر تهران ۰۲۱-۸۸۳۱۸۷۲۲ بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۰۳۱۱(۲۳۳۳۰۴۵) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت: ۵۳۳۱-۶۲۷۳-۰۴۵ ۱۹۷۳-۰۴۵ و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بندۀ بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حاجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساخت می سازد و او را می شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بندۀ دارد».



www

برای داشتن کتابخانه های شخصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و بروای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۴۰۰۰ ۱۰۹